

مسئولیت مدنی ناشی از نقض قواعد حقوق رقابت (مطالعه تطبیقی)

محمدحسین عرفان‌منش^۱ - سیدمحمد طباطبائی‌نژاد^۲

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۷/۳ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۹/۲۹)

چکیده

نظام حقوق رقابت مجموعه قواعدی است که به منظور تنظیم بازار آزاد و ایجاد تعادل در میان عناصر این بازار شکل گرفته است. اگرچه رویکرد سنتی مبتنی بر قواعد جزایی و انتظامی هنوز به صورت اولیه بر قواعد حقوق رقابت حاکم است، رویکرد جدید تکیه بر ضمانت اجرای حقوقی و به خصوص مسئولیت مدنی دارد. هدف اصلی نظام مسئولیت مدنی جبران خسارت است و بر اساس یک اصل کلی، هرگاه خسارتی وارد آید، آن خسارت می‌بایستی جبران گردد. با این حال، ماهیت خاص قواعد حقوق رقابت عناصر مسئولیت مدنی را در این حوزه با ابهام‌هایی همراه ساخته است. علاوه بر این، با توجه به جهانی شدن اقتصاد و تجارت بین‌الملل و همبستگی بازار کشورها، تأثیر رفتارهای ضد رقابتی به طور روزافزونی در حال فرامرز شدن است. حاکمیت دو جنبه قواعد حقوق خصوصی و عمومی در این رابطه تفاوت‌های عمیقی را میان نظام‌های حقوقی در این موضوع پدید آورده است. در اتحادیه اروپا با تصویب دستورالعمل راجع به دعاوی جبران خسارت ناشی از اعمال ضد رقابت تحولی در این راستا شکل گرفته است. این مقاله تلاش می‌کند تا به بررسی ملاحظات حاکم بر ضمانت اجرای مسئولیت مدنی در نظام حقوق رقابت با تأکید بر دستورالعمل جدید اتحادیه اروپا در این رابطه بپردازد.

واژگان کلیدی: حقوق رقابت، مسئولیت مدنی، قواعد آمره

۱. استادیار دانشگاه آزاد، واحد تهران مرکزی

۲. دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول) sm.tabatabaei@ut.ac.ir

۱. مقدمه

یکی از ویژگی‌های جوامع انسانی تحول در رویکرد و اندیشه‌ها با گذشت زمان و تحولات گوناگون است. اگر همانند بسیاری از مکاتب حقوقی، حقوق را پیرو اندیشه‌های و تغییرات اجتماعی و قالب دادن به آنها بدانیم، بی تردید اندیشمندان حقوقی باید این تحولات را دنبال نمایند و راهکارهایی کارآمد و منسجم برای آنها ارائه دهند. حقوق رقابت^۱ از جمله زمینه‌هایی است که تحولات فلسفی و اندیشه‌های مبتنی بر بازار آزاد وجود آن را ضروری ساخته است. اگر عدالت قرار است با تکیه بر سازوکارهای از پیش تعریف شده و با کمترین دخالت دولت توزیع شود، این امر مستلزم حمایت دولت از چنین سازوکارها و اتخاذ تدابیر و ضمانت‌اجراه‌های لازم برای اجرایی شدن و عملکرد مؤثر آنها است، به طوری که دولت از بازار خارج شده و به عنوان ناظر عمل نماید (نوروزی، ۱۳۸۴، ص ۹۴). حقوق جزا در حمایت از این ابزارها همواره پیش قدم بوده است به گونه‌ای که دولت‌ها برای دنبال نمودن اهدافشان از این حقوق بهره‌های فراوانی برده‌اند. با این وجود، تکیه بر نقش انسان به عنوان عنصر اساسی و غایت خواست‌های اجتماعی، توجه علماء حقوق را به سمت حمایت مستقیم از زیان‌دیدگان جهت تضمین عملکرد قواعد حقوقی معطوف ساخت. رویکردهای حقوق خصوصی در سازمان‌دهی نظام حقوق رقابت فراتر از مسئولیت مدنی عمل می‌نماید، اما مسئولیت مدنی به خصوص با توجه به پیشینه‌ای که در سایر نظام‌های ناظر بر ضرر دارد، می‌تواند به نحو مؤثرتری حقوق اشخاص را تضمین نماید. البته، اعمال این روش در این ساختار اجتماعی و اقتصادی مشکلات متفاوتی را در پی دارد که بعضی از آنها در سایر دعاوی راجع به مسئولیت مدنی مشترکند و بعضی صرفاً به این نوع خاص از دعاوی اختصاص دارند. هدف این مقاله ارائه‌ی دورنمای کلی از غایت و کارکرد قواعد حقوق رقابت و مشکلات ناشی از طرح شیوه مسئولیت مدنی است. با بررسی این قواعد و مشکلات، پیشنهادهایی نیز برای همراه کردن این دو نظام ارائه می‌گردد. با توجه به اینکه مقررات اتحادیه اروپا در رابطه با نحوی تعامل مسئولیت مدنی و حقوق رقابت تحولات و نظم نوینی را ایجاد کرده است، قوانین و دستورالعمل‌های این اتحادیه الگوی مناسبی برای تبیین مسائل در این رابطه می‌باشند.

۲. نظام جبرانی در حقوق رقابت

۲-۱. شکل‌گیری نظام حقوق رقابت

برای درک درست حقوق رقابت باید توجه داشت که قواعد حوزه رقابت مکارانه^۱ با مقرراتی که در چارچوب قواعد جلوگیری از تحدید بازار تحت مواد ۱۰۱ و ۱۰۲ «معاهده کارکرد اتحادیه اروپا»^۲ (معاهده رم) آمده است، متفاوت است.^۳ مقصود ما از حوزه حقوق رقابت، محدوده‌ای است که در آن عملکرد عناصر بازار در فعالیت‌های خود به منظور اطمینان از کارکرد مؤثر رقابت در بازار آزاد مورد نظارت قرار می‌گیرد، به نحوی که با هرگونه اقدامی که منجر به تحدید بازار گردد مقابله می‌شود. در اروپا، در بیان قواعد این حوزه اصطلاح حقوق رقابت و در آمریکا عنوان «ضد تراست»^۴ و ضد انحصار مورد استفاده قرار می‌گیرند. به دلیل ماهیت سیال و متغیر اقدامات ضد رقابتی برخی از حقوقدانان در اطلاق عنوان رشته مشخص حقوقی بر این قوانین تردید دارند (همان، ص ۱۰۹). لیکن این حوزه توانسته است به تدریج جای خود را در مباحث حقوقی چه در سطح کتب و چه در سطح قوانین و رویه قضایی باز کند.

۱-۱-۲. مفهوم و تاریخچه حقوق رقابت

در گذشته، انحصار و رفتار مبتنی بر تشکیل کارتل و تراست‌ها امری طبیعی بود. اما، از اواخر سده ۱۹ در آمریکا بر اساس ایده‌ی بازار آزاد رویکردهایی برای رهایی از انحصار شکل گرفت. پس از آمریکا، ژاپن و اتحادیه اروپا نیز رویه‌هایی را برای سازماندهی قواعد این بخش ایجاد کردند (همان، ص ۹۶). اولین تلاش در آمریکا برای مقابله با انحصار لایحه‌ی

۱. برای بسیاری از نویسندگان مقصود از عبارت رقابت مکارانه در ماده‌ی ۶ آیین‌نامه رم دو روشن نیست. برخی بر این باورند که در این رابطه تعریف مشخص و درستی ارائه نشده است، به طوریکه به طور مثال هیچ عنوان مشخصی برای این نوع از مسئولیت مدنی در نظام حقوقی انگلیس وجود ندارد و حتی برخی آن را زیرمجموعه قواعد حقوق مالکیت فکری می‌دانند (Wadlow, 2009, p. 789).

2. Treaty on the Functioning of the European Union (Treaty of Rome) 1958.

۳. در این رابطه، بند ۲۳ مقدمه‌ی آیین‌نامه رم دو مقرر می‌دارد: «از نقطه نظر آیین‌نامه مفهوم محدود کردن بازار می‌بایستی شامل ممنوعیت کلیه توافقات میان بنگاهها، تصمیمات اتحادیه‌های اصناف و رویه‌های هماهنگ که موضوع یا تأثیر آنها ممنوعیت، تحدید و یا تخریب رقابت در کشورهای عضو و یا در بازار مشترک باشد، همچنانکه شامل ممنوعیت سوء استفاده از موقعیت برتر درون کشورهای عضو و یا بازار مشترک می‌گردد، هنگامی که این توافقات، تصمیمات، رویه‌های هماهنگ یا استفاده از موقعیت برتر تحت مواد ۱۰۱ و ۱۰۲ معاهده رم ممنوع گردیده است».

4. Anti-Trust.

شرمن بود که در سال ۱۸۹۰ به تصویب کنگره رسید. این قانون به همراه قوانین مختلفی از جمله قانون کلایتون، قانون کمیسیون تجارت فدرال و قانون رابینسون-پتمن، چارچوب حقوق رقابت آمریکا را تشکیل می‌دهند (صادقی، ۱۳۸۶، ص ۲۵۳).^۱ در ژاپن اولین قانون ضد انحصار در سال ۱۹۴۷ و همزمان با تشکیل کمیسیون تجارت آزاد به تصویب رسید (نوروزی، ۱۳۸۴، ص ۹۴). در اتحادیه اروپا، اولین گامها برای مقابله با انحصار در بازار در سال ۱۹۵۷ و در ضمن مواد معاهده رم برداشته شد که با اصلاحات به عمل آمده در حال حاضر در مواد ۱۰۱ و ۱۰۲ این معاهده منعکس شده‌اند.

در آرژانتین اولین قانون رقابت در سال ۱۹۲۳ به تصویب رسید که مواد ۱ و ۲ آن برگرفته از قانون شرمن ایالات متحده بود. در سال ۱۹۴۶ قانون جدیدی جایگزین این قانون شد. با توجه به این که این دو قانون جنبه جزایی داشتند، از سال ۱۹۲۳ تا ۱۹۸۸ مجموعاً چهار پرونده در رابطه با حقوق رقابت مطرح گردید. از سال ۱۹۸۰ رویکرد قضایی جدیدی در این کشور آغاز شده است که به اعمال ضمانت اجراهای حقوقی گرایش دارد (OECD, 2006, p. 11).

حقوق رقابت در درون اتحادیه اروپا به نسبت قواعد راجع به رقابت مکارانه توسعه‌ی کمتری یافته است.^۲ بنیادی‌ترین متن قانونی در این اتحادیه در رابطه با حقوق رقابت مواد ۱۰۱ و ۱۰۲ معاهده رم می‌باشد. به منظور شفاف‌سازی محتوای این مواد، آیین‌نامه‌های متعددی توسط اتحادیه به تصویب رسید که از آن جمله می‌توان به قانون اجرایی ۱/۲۰۰۳ راجع به اجرای ماده ۸۱ و ۸۲، آئین‌نامه شماره ۲۷۹۰/۹۹ راجع به اعمال بند ۳ ماده ۸۱ در خصوص ادغام‌های عمودی، آئین‌نامه شماره ۲۶۵۸/۲۰۰۰ راجع به بند ۳ ماده ۸۱ در مورد اقسام موافقت‌نامه‌های خاص و آئین‌نامه شماره ۲۶۵۹/۲۰۰۰ با موضوع توافق‌نامه‌های تحقیق و توسعه اشاره کرد. امروزه، با توجه به تمرکززدایی در اجراء مقررات حقوق رقابت در سطح اروپا و سپردن اختیارات به مراجع ملی کشورهای عضو، امکان تعارض میان تصمیمات و صلاحیت‌ها

۱. این کشور تدابیر سختگیرانه‌ای را برای مقابله با تحدید رقابت اتخاذ نموده است به طوری که اخیراً در سال ۲۰۰۴ به موجب قانون اصلاح و افزایش مجازات‌های کیفری اقدامات ضد تراست، مجازات اقدامات تخریب رقابت برای اشخاص حقیقی تا ۱۰ سال حبس و ۱ میلیون دلار و برای شرکتها تا ۱۰۰ میلیون دلار جزای نقدی گردیده است.

۲. در رابطه با رقابت مکارانه اقدامات مفصلی در اتحادیه اروپا ترتیب داده شده است. بر اساس ماده ۱۰ کنوانسیون پاریس که کشورهای عضو اتحادیه اروپا به آن پیوسته‌اند، کشورهای عضو متعهد هستند تا برای اتباع خود حمایت مؤثری در مقابل رقابت مکارانه ایجاد نمایند. بر اساس بند دو این ماده، رقابت مکارانه هر گونه رقابتی است که بر خلاف رویه‌های صادقانه در امور تجاری یا صنعتی انجام شود.

بیشتر شده است (Fourny, 2011).

در چند دهه‌ی اخیر، این تحولات در سایر کشورها نیز رشد قابل توجهی داشته است. در حالی که تا سال ۱۹۸۰ تنها ده کشور قوانین رقابت را به تصویب رسانده بودند، امروزه این قوانین در بیش از صد کشور دنیا اجرایی شده است (نوروزی، ۱۳۸۴، ص ۹۴). ایران نیز از جمله این کشورها است. فصل چهارم قانون برنامه‌ی سوم توسعه مقرراتی را در ارتباط با رقابت وارد نظام حقوقی ایران کرده است. اما مؤثرترین اقدام در این زمینه قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و اجراء سیاستهای کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی است که فصل نهم آن با عنوان «تسهیل رقابت و منع انحصار» قواعدی را در این رابطه بیان کرده است.

۲-۱-۲. اهداف حقوق رقابت

توجه به حقوق رقابت از نتایج اهمیت به آزادسازی اقتصادی و خصوصی سازی در کشورها است. هدف قواعد رقابت تخصیص درست منابع، کارآمدی بهتر اقتصادی، افزایش ابتکارات و کاهش قیمت‌ها است زیرا این قواعد موجب تسهیل مدیریت بازار می‌شود. خلاف حقوق مالکیت فکری که بر مبنای اعطاء حقوق انحصاری به صاحبان نوآوری و ابداع است، قواعد حقوق رقابت به دنبال جلوگیری از موانع بازار و سودرسانی به مشتریان با تنوع بخشی به تأمین کنندگان و عرضه کنندگان کالا، خدمات و فن آوری می‌باشد (Correa, 2007, p. 1). در درون جوامع بین‌المللی و اتحادیه‌های منطقه‌ای از جمله اتحادیه اروپا، در کنار این هدف، مقررات حقوق رقابت برای تشویق فعالیت‌های اقتصادی به منظور افزایش بهره‌وری و رفاه مشتریان و ایجاد سازوکارهایی در جهت اهداف بازار واحد مورد استفاده قرار می‌گیرند (Cafaggi, 2006, p. 260). با این حال عموم نویسندگان بر این باورند که عمده‌ترین هدف حقوق رقابت، مبارزه با انحصار و پیشگیری از موقعیت‌های انحصاری است (صادقی، ۱۳۸۶، ص ۱۷۱).

تخریب رقابت موجب تنزل کیفیت کالاها، از بین رفتن حس نوآوری، کاهش قدرت انتخاب خریداران و افزایش قیمت‌ها می‌شود (نوروزی، ۱۳۸۴، ص ۹۴). بنابراین از منظر حقوق رقابت، انحصار، محدودیت و ممنوعیت در بازار قابل تحمل نیست و باید برای حمایت

از مصرف کنندگان، در جهت افزایش کارایی تولید، تخصص، اقتصاد و نوآوری گام برداشت (صادقی، ۱۳۸۶، ص ۲۵۰). هر چند این قوانین امکان رفع تمام موانع رقابت را ندارند، می توان با جلوگیری از اقداماتی که به نحوی رقابت را در بازار خدشه دار می سازد، در جهت بهبود رقابت حرکت کرد (حسینی، ۱۳۸۷، ص ۷).

بر مبنای آنچه گفته شد نه تنها جامعه به عنوان یک کل از قواعد حقوق رقابت منتفع می شود، بلکه هر یک از عناصر بازار چه به عنوان رقیب و چه به عنوان خریداران (واسطه های توزیع یا مصرف کننده نهایی) از اعمال صحیح این قواعد منتفع می شوند. در حقوق عمومی سازوکارهایی مانند قواعد انتظامی و مقررات جزایی اهداف حقوق رقابت را دنبال می نماید، و در حقوق خصوصی قالب هایی همانند مسئولیت مدنی اجرای این قوانین به عهده دارند. دعاوی که در چهارچوب رویکرد خصوصی و به ویژه مسئولیت مدنی مطرح می شوند، نشانگر این مطلب هستند که حقوق ضد انحصار در کنار اهداف اجتماعی کماکان به ماهیت خود یعنی حمایت از مصرف کننده پایند است (Jacobson, 1998, p. 2).

۳-۱-۲. مصادیق نقض قواعد حقوق رقابت

رفتارهای ضد رقابتی یا از طریق توافق دو یا چند بنگاه صورت می پذیرند و یا از طریق تسلطی که یک شرکت بر بازار دارد. توافق میان بنگاه ها یا از طریق سازش یا از طریق ادغام دو یا چند شرکت صورت می پذیرد (طوبی صادقی، ۱۳۸۶، ص ۱۷۱).^۱ مصادیق توافق اقداماتی همانند تثبیت قیمت ها، تصمیم درباره میزان تولید، محدود یا کنترل کردن خرید و فروش و یا اینکه بنگاه ها در معاملات مشابه شرایط غیر مشابه را حاکم سازند شامل می شود. همچنین، در این توافقات ممکن است طرف مقابل به انعقاد قرارداد با اشخاص ثالث ملزم گردد و یا انعقاد قرارداد به قبول تعهدات تکمیلی از سوی طرف دیگر موکول گردد. تقسیم بازار کالا یا

۱. توافق ممکن است افقی یا عمودی باشد. توافق افقی میان شرکت های هم سطح که از حیث فرایند تولید و توزیع در یک سطح قرار دارند به عمل می آید. مثلاً، چند شرکت ممکن است تخفیف خاصی را برای بعضی مشتریان مقرر و یا برای منطقه ای خاص قیمت مشخصی را تثبیت نمایند. توافق عمودی میان اجزاء یک فرایند تولید و توزیع (مثلاً میان مجوز گیرنده و مجوز دهنده و یا میان عمده فروش و خرده فروش) صورت می گیرد. با این حال، برخی بر این باورند که اینگونه توافق های عمودی بر خلاف اهداف بازار رقابتی نیستند (طوبی صادقی، ۱۳۸۶، الف، ص ۱۷۴). همچنین، توافق می تواند مکتوب، شفاهی یا حتی اخلاقی باشد که هدف آن ممانعت از محدودیت یا اختلال در رقابت باشد (طوبی صادقی، ۱۳۸۶، ص ۱۷۱)

خدمات بین دو یا چند شرکت و یا محدود کردن دسترسی اشخاص دیگر به بازار از دیگر مصادیق رقابت غیرمنصفانه هستند (همان، ص ۱۷۲). ادغام نیز ممکن است بر عملکرد مناسب در بازار رقابتی تأثیر گذارد. با توجه به اینکه ادغام لزوماً مانعی برای رقابت نیست و حتی توان سرمایه گذاری در شرکتها را نیز افزایش می دهد، مجاز یا ممنوع بودن آن باید به صورت موردی تحلیل گردد.^۱ ادغام همچنین ممکن است به صورت یک طرفه یا دو طرفه باشد. در ادغام یک طرفه، یک شرکت ممکن است با ترفندهایی سهام اکثریت را در شرکت دیگری تصاحب نماید و از این طریق، قدرت رقبا را کاهش داده و موجب افزایش تسلط و قدرت تصمیم گیری خود شود (همان، ص ۱۷۵).

وضعیت اقتصادی مسلط وضعیتی است که در آن یک شخص بدون اینکه به طور کلی رقابت را از بین ببرد، نسبت به شرایط رقابت به صورت مستقل تصمیم بگیرد. برای تشخیص اینکه آیا بنگاهی چنین وضعیتی را دارا است یا خیر باید به سهم بنگاه مربوطه از بازار توجه شود. شایان ذکر است که صرف داشتن وضعیت اقتصادی مسلط ممنوع نیست. اما اگر شرکتی از چنین موقعیتی سوء استفاده نماید، مرتکب نقض قواعد رقابت گردیده است (همان، ص ۱۷۷). مطابق با مواد ۱۰۱ و ۱۰۲ معاهده رم، چنین سوء استفاده ای شامل تحمیل کردن مستقیم یا غیرمستقیم قیمت ها برای خرید یا فروش، تحمیل سایر شرایط تجاری غیرمنصفانه، تحدید تولید، بازار و یا توسعه ی فنی به زیان خریداران، اعمال شرایط ناهسمن برای معاملات مشابه با سایر عناصر بازار به گونه ای که آنها را در یک موقعیت نابرابر رقابتی قرار دهد، مشروط ساختن قرارداد به قبول سایر تعهدات تکمیلی از سوی طرفهای مقابل قرارداد که به واسطه ماهیت و یا بر اساس عرف تجاری هیچ ارتباطی با موضوع این نوع از قراردادها ندارند، می شود. باید توجه داشت که این مصادیق جنبه تمثیلی دارند و هر عملی که اهداف رقابت آزاد را خدشه دار سازد از مصادیق اعمال ضد رقابت قلمداد می گردد. با توجه به اثرات فراملی این اعمال و تفاوت های آنها در نظام های حقوقی مختلف، همکاری بین المللی برای ایجاد وحدت رویه در این زمینه ضروری به نظر می رسد (Wadlow, 2009, p.790).

۱. در اتحادیه اروپا تصمیم درباره امکان و یا ممنوعیت ادغامها به صورت موردی و در اختیار کمیسیون است که بر اساس آیین نامه شماره ۴۰۶۴/۸۹ تشکیل و از سال ۱۹۹۰ اجرایی شده است.

۲-۲. پیدایش رویکرد خصوصی در حقوق رقابت

۲-۲-۱. مسئولیت مدنی به عنوان یک نهاد تکمیلی در حقوق رقابت

ضمانت اجرای قواعد رقابت می‌تواند در فرمهای متفاوتی بروز نماید که یکی از آنها اقامه دعاوی خصوصی برای جبران خسارت است. ضمانت اجرای حقوقی شامل تدابیر و رویه‌های متفاوتی از جمله اخذ حکم برای منع عمل خلاف قواعد حقوق رقابت، اقامه دعوی برای اعلام بطلان و استفاده از این قواعد به عنوان یک دفاع در دعاوی خصوصی است. اما آنچه امروزه بیشتر مورد توجه قرار گرفته است موضوع مسئولیت مدنی و جبران خسارات ناشی از اقدامات ناقض حقوق رقابت است (Commission of the European Communities, 2008B, p. 8). طبق قواعد کلی، هر شخصی که از عمل خلاف قانون شخص دیگری زیان می‌بیند، این حق را دارد تا جبران خسارت خود را مطالبه نماید. اما، اعمال این قاعده در بسیاری از موارد با چالش‌هایی همراه بوده است. این مسئله به خصوص در رابطه با مصادیق نوظهور با ابهامات بیشتری همراه است. در طول زمان بر مبنای تحلیل حقوقدانان، مسئولیت‌های خاصی (مثلاً مسئولیت متصدیان حمل و نقل، تولیدکنندگان سیگار و اسلحه، مسئولیت مدنی کالای معیوب، مسئولیت ناشی از نقض حقوق مالکیت فکری و خسارات زیست محیطی) به وجود آمده‌اند که پیچیدگی‌های مخصوص به خود را دارد. مسئولیت ناشی از قواعد حقوق رقابت نیز به واسطه جدید بودن با ابهام‌هایی مواجه بوده است.

با وجود تأکید نویسندگان و صاحب‌نظران بر نقش اصلی مقامات عمومی در نظام ضمانت اجرای قواعد رقابت، باید توجه داشت که هدف دو نظام مبتنی بر حقوق عمومی و خصوصی با یکدیگر متفاوت است. در حالی که قواعد حقوق عمومی بیشتر بر بازدارندگی تکیه دارند، تمرکز اصلی قواعد حقوق خصوصی بر جبران خسارات وارده به زیان‌دیدگان می‌باشد. علاوه بر این، نظام مبتنی بر حقوق خصوصی در کنار امکان اعطای جبران خسارت، موجب تقویت کارکرد بازدارندگی نیز می‌شود. ضمانت‌اجراهای خصوصی همچنین می‌توانند نقص نظام مبتنی بر حقوق عمومی را تا حدی مرتفع سازند (ibid, 2008, B, p.12). بر این اساس این دو بخش می‌توانند کارکرد یکدیگر را تکمیل و موجب افزایش کارآمدی سیستم رقابت گردند (Commission of the European Communities, 2008A, p. 4). نظام مبتنی بر حقوق خصوصی بر این ایده استوار است که ناقضان حقوق رقابت باید هزینه اقدامات خلاف خود را با ایجاد

سازوکاری برای جبران خسارت پردازند (Commission of the European Communities,) (2008B, p. 11).

با این حال، تکیه صرف بر قواعد سنتی نظام مسئولیت مدنی چندان با اقتضانات حاکم بر حقوق رقابت همخوانی ندارد. تا زمانی که موانع پیش رو در راه دستیابی به یک نظام جبرانی مؤثر به طور صحیح و با دقت مورد ارزیابی قرار نگیرد و با نظام مسئولیت مدنی هماهنگ نشود، کارکرد بی اشکال نظام مسئولیت مدنی در ارتباط با نقض قواعد حقوق رقابت دور از دسترس خواهد بود. این موانع در دو سطح ماهوی و شکلی قابل ملاحظه‌اند، که در ادامه به شرح آنها می‌پردازیم.

۲.۲.۲ بررسی تطبیقی نظام مسئولیت مدنی در حقوق رقابت

در آمریکا، تکیه بر ضمانت اجرای خصوصی در کنار قواعد جزایی و انتظامی سابقه دیرینه‌ای دارد. مطابق ماده ۷ قانون ۱۸۹۰ شرمین و ماده ۴ قانون کلایتون ۱۹۱۴ این کشور اشخاص خصوصی مجاز بودند تا در صورت نقض قواعد رقابت، زیان وارده را از متخلف دریافت نمایند (نوروزی، ۱۳۸۴، ص ۱۰۶). در اتحادیه اروپا، اولین ظهور مؤثر این نظریه در رأی دادگاه عدالت اروپا در سال ۲۰۰۱ و بر مبنای ماده ۱۰۱ معاهده رم بود که در آن اعلام گردید که زیان دیدگان خسارات رقابت غیرمنصفانه اعم از مصرف کنندگان و تجار می‌توانند جبران خسارت شخصی ناشی از نقض قواعد حقوق رقابت را مطالبه کنند (Case C-453/99, 2001). با وجود نظر برخی که مقررات ضدانحصار یا قواعد حقوق رقابت را مشمول قواعد کلی مسئولیت مدنی می‌دانستند، این رأی مجدداً در سال ۲۰۰۶ توسط دادگاه مورد تأکید قرار گرفت (Joined Cases C-295-298/04, 2006). اما در سطح دادگاه‌های ملی کشورهای عضو اتحادیه، با وجود اصلاحاتی که در قوانین و عملکرد بعضی کشورهای عضو صورت پذیرفته، تعداد مواردی که در آن زیان دیده توانسته تا خسارات خود را مطالبه نمایند اندک است، هرچند مبلغ این خسارات به چندین میلیون یورو در سال بالغ می‌شود (Commission of the European Communities, 2008A, p. 3).

همسو با آراء فوق‌الذکر، پارلمان اروپا در ۲۵ آوریل سال ۲۰۰۷ مصوبه‌ای را گذراند که بر اساس آن کمیسیون ملزم گردید تا یک سند جامع با جزئیات تفصیلی برای طرح دعاوی

مسئولیت مدنی ناشی از نقض حقوق رقابت تهیه نماید (Marcos, 2008, p. 1). بر اساس مصوبه مزبور کمیسیون می‌بایستی موانعی که به منظور اعمال کارآمد ضمانت اجرای خصوصی در رابطه با حق جبران خسارت وجود دارند را مورد بررسی قرار داده و راهکارهای اجرایی مناسبی پیشنهاد دهد (Commission of the European Communities, 2008B, p. 4).^۱

در این راستا، در سال ۲۰۰۸ کمیسیون اتحادیه اروپا توصیه‌نامه‌ای را تهیه کرد که بر اساس آن این امکان برای اشخاص خصوصی که از نقض قواعد حقوق رقابت اتحادیه اروپا متضرر شده‌اند فراهم شده است تا جهت جبران خسارات وارده بتوانند اقامه دعوی و مطالبه خسارت نمایند. بند اول این توصیه‌نامه هدف از تنظیم آن را تضمین دسترسی تمامی زیان‌دیدگان نقض قواعد حقوق رقابت اتحادیه اروپا به مکانیسم‌هایی عنوان کرده است که از طریق آنها به نحو کامل خسارتشان جبران گردد. همچنین این توصیه‌نامه درصدد جایگزینی ضمانت اجرای خصوصی با ضمانت اجرای عمومی نیست. بلکه هدف از تنظیم آن، تکمیل و ترمیم نارسایی‌هایی است که ضمانت‌اجراهای عمومی در پیشبرد اهداف خود برای دستیابی به یک بازار رقابتی دارند.

یکی دیگر از اقدامات اتحادیه اروپا، تصویب دستورالعمل راجع به دعاوی جبران خسارت ناشی از اعمال ضد رقابت است (Directive on Antitrust Damages Actions, 2014). مطابق با مواد متعدد این قانون، اصول کارایی و برابری^۲ قواعد ماهوی و شکلی ملی مرتبط با حقوق رقابت از جمله ارکان این دستورالعمل است. برابر با بند ۱۱ مقدمه‌ی این قانون، اصل کارایی مقرر می‌دارد که متضرر حق مطالبه‌ی جبران خسارت کامل ناشی از نقض قواعد حقوق رقابت خسارت را دارد و اعمال این حق به لحاظ عملی نباید ناممکن یا فوق‌العاده سخت گردد. به علاوه، بر اساس اصل برابری، قواعد موجود در حوزه جبران خسارت ناشی از نقض قواعد حقوق رقابت نمی‌بایستی مقررات سخت‌گیرانه‌تری نسبت به قواعد جبران خسارت سایر حوزه‌ها داشته باشند. بر اساس ماده ۲۱، کشورهای عضو اتحادیه موظفند تا دو سال و ۲۰ روز پس از تاریخ انتشار این دستورالعمل (۲۷ دسامبر ۲۰۱۶) قوانین خود را با آن هماهنگ نمایند.

۱. از جمله این موانع مسئولیت تضامنی، عدم تقارن اطلاعات و منابع در اختیار طرفین دعوی، افشاء اطلاعات، ماهیت الزام آور آراء مراجع ملی رقابتی، مسئله مرور زمان، دعاوی جمعی، توصیف خسارات، مسئله حل مسالمت‌آمیز و دفاع انتقال سود و هزینه‌ها بود.

2. Principles of Effectiveness and Equivalence.

۳. مشکلات اعمال نظام مسئولیت مدنی در حقوق رقابت و راهکارهای حل آن

همانطور که پیشتر اشاره شد، با وجود اینکه دادگاه عدالت اروپایی اعلام کرده است که حق جبران خسارت خصوصی تضمینی برای اجرای مؤثر حقوق رقابت در این اتحادیه می‌باشد، طرح این مسئله در اتحادیه اروپا با موانع بسیاری همراه بوده است. اولین مشکل، اعمال قواعد سنتی حقوق مسئولیت مدنی در رابطه با دعاوی ناشی از نقض حقوق رقابت چه از جنبه ماهیتی و چه شکلی است زیرا اعمال این قواعد برای این دعاوی به واسطه مشخصه‌های خاص آنها کارآیی لازم را ندارد.

یکی از مشکلات در ارتباط با دعاوی مربوط به خسارت ناشی از قواعد حقوق رقابت این است که چنین پرونده‌هایی مستلزم ارائه تحلیل اقتصادی و موضوعی پیچیده از عمل ضد رقابت است. انجام این تحلیل و اثبات اینکه عمل انجام شده مغایر با حقوق رقابت است نیازمند دستیابی به اطلاعاتی است که معمولاً فقط در دسترس خواننده بوده و در دسترس زیان دیده نیستند. این اطلاعات در اسنادی یافت می‌شوند که سوءاستفاده خواننده را از موقعیت برترش به همراه مصادیق آن را (همانند حفظ یا تغییر نامتعارف قیمت کالا، تحمیل شرایط غیرمنصفانه، تحدید مقدار عرضه و تقاضا، ایجاد مانع در ورود رقبا، تملک سرمایه شرکتها برای اخلال در رقابت) اثبات می‌کنند. جمع‌آوری اطلاعات توسط خواهان و تحلیل آنها نیاز به صرف زمان و هزینه بسیاری دارد به گونه‌ای که در بسیاری موارد زیان دیده را به پذیرش وضعیت موجود به جای دستیابی به وضعیت مطلوب ناچار می‌سازد (طوبی صادقی، ۱۳۸۶، ص ۱۷۹).

دومین مشکل در رابطه تمایز و تفاوت رویکردهایی است که در میان کشورهای مختلف وجود دارد و ممکن است منجر به تفاوت در برخورد و کاهش امکان قابلیت پیش‌بینی در این نوع دعاوی گردند (Commission of the European Communities, 2008B, p. 9). وجود این موانع باعث شده است تا زیان‌دیده در ارزیابی اقامه دعوی و مقایسه میان هزینه‌ها و فوائد اغلب ترجیح دهد تا با توجه به ریسک ناشی از رد دعوی و عدم اطمینانی که نسبت به حصول نتیجه دارد، انگیزه کافی برای طرح، پیگیری و مطالبه خسارات متحمل در دادگاه را نداشته باشد. در ادامه این گفتار، به بررسی مشکلات در زمینه دعاوی ضد رقابت و راهکارهایی برای رفع این

مسائل می‌پردازیم.

۱-۳. مشکلات ماهوی اعمال نظام مسئولیت مدنی

مشکلاتی که امروزه در نظام جبران خسارت اتحادیه وجود دارد، با توجه به پیشینه نظام حقوق رقابت آمریکا، به طور اساسی در دادگاه‌های این کشور تجربه شده‌اند. در این کشور، با وجود اینکه مجموعه قوانین و مقررات به طور گسترده امکان جبران خسارت را فراهم نموده بود، اقامه دعاوی خصوصی در چند سال آغازین اجرای این قوانین بسیار نادر اتفاق می‌افتاد. از ۱۸۹۹ تا ۱۹۳۹ تنها ۱۵۷ دعوی برای مطالبه خسارت ثبت و تنها در ۱۴ دعوی، خواهان پیروزی شد که مبلغ خسارت کمتر از ۲۵۷ هزار دلار بود. با این حال، حسب انعطاف دادگاه‌های این کشور در اعمال قوانین سنتی، به تدریج در دهه‌های بعدی این دعاوی با رشد قابل توجه روبرو گردید.

مسائل ماهوی اعمال نظام مسئولیت مدنی در ارتباط با دعاوی ناشی از قوانین رقابت در مراحل اثبات تقصیر، رابطه سببیت، اثبات ورود خسارت، ارزیابی خسارت و دفاعیات قابل استماع به وجود می‌آیند که ذیلاً به آنها پرداخته می‌شود.

۱-۱-۳. اثبات تقصیر

در رابطه با لزوم اثبات تقصیر برای نقض مواد ۱۰۱ و ۱۰۲ معاهده رم، دادگاه‌ها رویه‌های متفاوتی را اتخاذ کرده‌اند. برخی لزومی به اثبات تقصیر نمی‌بینند و یا وقوع عمل را فرض غیرقابل انکار بر تقصیر می‌دانند. کمیسیون اروپا بر این باور است که قواعد که در کشورهای عضو در رابطه با ضرورت اثبات تقصیر وجود دارد، باید محدود گردند (Commission of the European Communities, 2008A, p. 5). به اعتقاد این کمیسیون، دلیلی وجود ندارد که ناقضین قواعد حقوق رقابت به واسطه ممکن نبودن اثبات تقصیر بتوانند از مسئولیت رهایی یابند مگر اینکه آنان بتوانند یک دلیل موجه مبنی بر اشتباه خود ارائه دهند. چنین اشتباهی هنگامی موجه خواهد بود که استانداردهای لازم در سطح بالا رعایت شده باشند و نقض‌کننده قواعد رقابت از غیر قانونی بودن اقدام خود آگاه نباشد. با این حال، نباید فراموش کرد که به جز اعمالی که فی نفسه منجر به محدودیت در رقابت می‌شوند، در مواردی که فعل انجام شده به خودی خود ممنوع نبوده است، اثبات تقصیر خواننده توسط خواهان ضروری می‌باشد (Anderson, 2007, p. 3).

۲-۱-۳. رابطه سببیت

یکی از عناصر اصلی در دعاوی مسئولیت مدنی اثبات رابطه سببیت است. اعمال این عنصر در دعاوی نقض قواعد حقوق رقابت خالی از چالش نیست.^۱ اولین مشکل مسئله اثبات رابطه میان خسارات وارده و عمل ناقض قوانین ضد رقابت است. مسئله دیگر تشخیص عامل زیان از میان عوامل متعددی که باعث بروز خسارت شده‌اند. یکی از موانع اصلی پیروزی خواهان در دعوی همین رابطه سببیت است. بر مبنای نظام سنتی مسئولیت مدنی کشورهای اروپایی، در مورد تشخیص رابطه سببیت «معیار ارتباط مثبت» نقش اساسی ایفا می‌نماید. بند سوم ماده ۱۰۱ مجموعه «اصول اروپایی مسئولیت مدنی» مقرر می‌دارد که یک عمل هنگامی سبب خسارت محسوب می‌شود که در نبود این اقدام آن حادثه روی نمی‌داد. به این ترتیب، در صورت وجود رابطه طولی میان عوامل متعدد که در وقوع خسارت نقش داشته‌اند، خسارت بر مبنای استاندارد «سبب نزدیک»^۲ قابل مطالبه است.

با این حال، اعمال این دو معیار در دعاوی مسئولیت مدنی نقض حقوق رقابت، درصد عمده‌ای از زیان‌دیدگان را از مطالبه خسارت محروم می‌کند. زمانی که تحقق اقدام خلاف قانون و وارد شدن خسارت محرز است، ممکن نبودن اثبات رابطه واقعی میان این دو نباید به عنوان حربه‌ای مؤثر در اختیار عاملان زیان در فرار از مسئولیت قرار گیرد. لازم نیست اقدام به نقض رقابت، علت منحصر به فرد ورود خسارت باشد. بلکه کافی است که این علت نقشی اساسی در ورود خسارت داشته باشد (Anderson, 2007, p.3). در رابطه با تمیز عامل زیان از میان عوامل متعدد ورود زیان نیز می‌توان از همین معیار استفاده نمود. بر این اساس، وقتی نقض قواعد رقابت اثبات گردید و ورود خسارت نیز محقق شد، می‌بایستی رابطه میان این دو را مفروض دانست. چنانچه دادگاه عالی آمریکا در دعوی *Radiant Burners v. Peoples Gas* در سال ۱۹۶۱ اظهار داشت که برای موفقیت در دعاوی نقض قواعد رقابت کافی است وقوع زیان در نتیجه این نقض اثبات گردد.

۱. در نظام حقوقی آمریکا، برای موفقیت در دعاوی جبران خسارت نقض قواعد رقابت چهار عنصر باید اثبات گردند: (۱) اقدام خلاف قانون است، (۲) ورود خسارت، (۳) رابطه سببیت و (۴) اثبات این مطلب که قوانین رقابت به دنبال منع آن خسارت بوده‌اند (Marshall, 2008, p. 5).

2. Proximate Cause.

مطابق با ماده‌ی ۱۱ دستورالعمل راجع به دعاوی جبران خسارت ناشی از اعمال ضد رقابت، در مواردی که چند شخص به طور مشترک اقدام به نقض این قواعد کنند، این افراد در رابطه با خسارت وارده مسئولیت تضامنی دارند و زیان دیده می‌تواند به هر کدام از آنها برای جبران خسارت کامل خود مراجعه نماید (Regulation No 1/2003). با این حال در فرضی که زنجیره‌ی متعددی از عوامل میان وقوع خسارت و اقدامات خلاف قانون وجود دارد، اعمال این روش به سادگی ممکن نیست. برخی از نویسندگان بر حسب قاعده عدم مسئولیت به واسطه قطع رابطه سببیت توسط عاملی خارجی بر این عقیده‌اند که دعاوی خریداران غیرمستقیم به دلیل قطع رابطه سببیت قابل استماع نیست (Commission of the European Communities, 2008B, p. 12). با وجود این به نظر می‌رسد که ورود عوامل متعدد در زنجیره بازار رابطه سببیت را قطع نمی‌کند بلکه صرفاً منجر به انتقال زیان می‌شود. بر این اساس، باید خریداران غیرمستقیم را نیز در زمره اشخاصی قرار داد که امکان مطالبه خسارت در دعاوی نقض حقوق رقابت را دارند.

۳-۱-۳. اثبات ورود خسارت

یکی از عناصر مهم در دعاوی خسارت ناشی از نقض قواعد رقابت اثبات ورود خسارت است. باید توجه داشت که نقض قواعد حقوق رقابت الزاماً منجر به وقوع خسارت نمی‌شود. به طور مثال، در دعوی لیگ فوتبال آمریکا علیه لیگ فوتبال ملی در سال ۱۹۸۶ با وجود پذیرش نقض قواعد رقابت توسط دادگاه، خواهان نتوانست وقوع خسارت را اثبات نماید. در عین حال، ارتباط نزدیکی میان نقض قواعد حقوق رقابت و وقوع خسارت وجود دارد.

در سال ۱۹۷۷، دادگاه عالی آمریکا در پرونده *Brunswick v. Pueblo Bowl-O-Mat* اعلام نمود که وقوع خسارت در تمامی دعاوی راجع به مسئولیت نقض قواعد حقوق رقابت به خصوص دعاوی تثبیت قیمت باید به حد متعارفی از قطعیت برسد. این دادگاه همچنین در پرونده *Zenith Radio v. Hazeltin* با اشاره به محدودیت‌های اثبات در دعاوی جبران خسارت اظهار داشت که اثبات خسارت در این دعاوی به ندرت می‌تواند واقعی و به صورتی که در سایر حوزه‌ها اتفاق می‌افتد، باشد. به اعتقاد دادگاه عالی آمریکا، در نبود یک دلیل واقعی، دادگاه باید واقعیت را از بررسی اوضاع و احوال متعارف برداشت نماید و از اقدام خلاف

قانون عامل زیان و تمایل به ورود خسارت به زیان دیده و از دلایلی چون کاهش قیمت و یا سود و ارزش که نمی تواند به سایر دلایل مربوط باشد، استنباط نماید که اقدام خلاف عامل زیان موجب خسارت شده است (Anderson, 2007, p. 3).

۴-۱-۳. ارزیابی خسارت

ارزیابی خسارت در اقدامات ناقض حقوق رقابت نیز یکی از مشکلات و پیچیدگی های این گونه از دعاوی است. در این گونه دعاوی مانند سایر اقسام مسئولیت مدنی نمی توان از قیمت بازار کالای خسارت دیده استفاده نمود بلکه برای ارزیابی خسارت باید از روش هایی استفاده نمود که مبتنی بر تحلیل بازار هستند. در رابطه با رفتارهای انحصاری، دعاوی متعدد خسارت چه به صورت دعاوی مستقل و چه به صورت دعاوی متعاقب در دادگاه های اروپا مطرح شده اند. با وجود تفاوت در رفتارهای انحصاری، از نقطه نظر ارزیابی خسارت این رفتارها بسیار به هم نزدیک هستند. برخی اعمال موجب می شوند که رقبا جدید نتوانند وارد بازار شوند و یا دایره اعمال و اختیارات تجاری آنها را محدود می کنند. خریداران چه به عنوان مصرف کننده نهایی و چه به عنوان توزیع کننده ممکن است ملزم باشند تا هزینه بیشتری را پرداخت نمایند و یا اینکه گستره انتخاب آنها محدود گردد (Komninos, 2009, p. 5).

برخی با طرح سؤالاتی تلاش کرده اند تا با تفکیک اقسام مختلف دعاوی برای هر دسته قواعدی خاص ارائه دهند. این گروه معتقدند در ارزیابی خسارت پاسخ به چند سؤال بسیار مهم است. اولین سؤال این است که چه نوعی از نقض، چه نوعی از خسارت را به وجود آورده است. به طور مثال، اقدام به ایجاد کارتل موجب افزایش قیمت و رفتار انحصاری باعث کاهش فروش و دسترسی به بازار می شود. سؤال بعد این است که چه قشری از عمل ضد رقابت زیان دیده اند (Anderson, 2007, p. 6). آیا آنها مصرف کنندگان نهایی، توزیع کنندگان میانی یا رقبای تجاری هستند؟ اینکه بازاری که در آن نقض صورت پذیرفته چه نوع بازاری (مثلاً بازار پخته یا نوظهور) است نیز دارای اهمیت می باشد (Komninos, 2009, p. 4). همچنین، در ارتباط با ارزیابی خسارت، دو شیوه رایج است. یک روش به ارزیابی خسارت بر اساس «افزایش قیمت»^۱ (همانند افزایش قیمت در نتیجه ایجاد کارتل) می پردازد و روش دیگر

1. Overcharge Injury.

منافع از دست رفته را مورد محاسبه قرار می‌دهد.

مسئله‌ای که در ارزیابی خسارت وجود دارد این است که ممکن است قیمت بالاتر در آمد شرکت را افزایش ندهد. بلکه موجب جایگزینی بازار توسط برخی از خریداران و در نتیجه کاهش در آمد آن شرکت گردد (ibid, p. 5). با این حال، برخی این جایگزینی را هم نوعی خسارت دانسته‌اند. علاوه بر این، ممکن است شرکت‌های رقیب سود خود را از دست بدهند و مجبور به ترک بازار شوند. بر این اساس، انتقال هزینه به خریداران بعدی نیز تأثیری در ارزیابی خسارت نخواهد داشت، بلکه صرفاً در توزیع خسارت نقش ایفا می‌نماید (ibid). با توجه به آنچه گفته شد می‌توان نتیجه گرفت که تعیین دقیق میزان خسارت با توسل به روش مقایسه موقعیت زیان‌دیده در صورت وجود نداشتن عمل ضد رقابتی به صورت فرضی در عمل غیرممکن است. از این رو، کمیسیون اروپا در این زمینه پیشنهاد به اتخاذ یک روش عملی مانند روشهای «ارزیابی تقریبی برای محاسبه»^۱ و یا قواعد ساده شده «تخمین خسارت»^۲ داده است. در پرونده *Devenish Nutrition v Sanofi-Aventis* دادگاه عالی انگلیس در ارزیابی خسارت، حکم به تعیین یک مبلغ خسارت کلی بدون نیاز به تقویم مبلغ دقیق خسارت وارده کرد. ماده ۱۷ دستورالعمل راجع به دعاوی جبران خسارت ناشی از اعمال ضد رقابت نیز این شیوه را مورد تأیید قرار داده است.

۵-۱-۳. خسارات قابل مطالبه

یکی از مسائل مهم در رابطه با خسارات ناشی از نقض قواعد رقابت این است که آیا خسارت محدود به خسارات واقعی می‌شود و یا شامل منافع منفی که عامل زیان به صورت غیر مشروع کسب کرده نیز می‌شود؟ در صورتی که منافع مکتسب عامل زیان قابل استرداد است، این خسارت چگونه میان زیان دیدگان توزیع می‌شود؟ اصولاً زیان‌دیده می‌تواند «غرامت کامل»^۳ خود را که عبارت از ارزش واقعی «خسارات متحمل»^۴ است مطالبه کند. اما مسئله غرامت کامل موضوعی بحث‌برانگیز تبدیل شده است. گروهی بر این باور هستند که حق

1. Approximate Methods of Calculation.
2. Simplified Rules on Estimating.
3. Full Compensation.
4. Real Value of the Loss Suffered.

گرامت کامل نه تنها شامل «خسارت واقعی»^۱ که به واسطه افزایش قیمت ناشی از نقض قواعد رقابت پدید آمده می‌شود، بلکه شامل «عدم‌النفع»^۲ ناشی از هرگونه کاهش در فروش و «حق بر سود»^۳ نیز می‌گردد. در مقابل، گروهی با احتیاط به وجود و محاسبه خسارت می‌نگرند و عدم‌النفع را خارج از دایره خسارات می‌دانند.

بعضی دادگاه‌ها منافع حاصل شده خواننده یا «استرداد دارا شدن بلاجهت»^۴ را به عنوان مبنای مناسب برای ارزیابی خسارت نگاه می‌دانند به ویژه اگر خواهان خسارت مالی مشخصی ندیده باشد. اما، گروهی دیگر (همانند رویه جاری در انگلستان) بر این اعتقادند که در صورتی که معیار افزایش هزینه و یا اختلاف قیمت به عنوان مبنای خسارت قرار گیرد صرفاً می‌توان خسارت جبرانی را مطالبه کرد.^۵ به عنوان مثال، در دعوی *Devenish Nutrition v. Sanofi-Aventis*، دادگاه عالی انگلستان اظهار داشت که خواهان نمی‌تواند سود حاصل شده توسط خواننده را مطالبه نماید. همچنین او نمی‌تواند مدعی «خسارت تنبیهی»^۶ باشد. بلکه وی صرفاً می‌تواند «خسارت جبرانی برای زیان وارد شده»^۷ را از خواننده مطالبه کند.

به علاوه، در دعاوی نقض حقوق رقابت، خواهان باید اثبات نماید که خسارت وی از نوع خسارت رقابتی بوده است (Marshall, 2008, p. 5). در دعوی *Brunswick v. Pueblo* در سال ۱۹۷۷، دادگاه عالی آمریکا اظهار داشت که در دعاوی ضد انحصار فقط آن دسته از خساراتی که قوانین ضد انحصار بدنبال جلوگیری از وقوع آن بوده قابل مطالبه است. به عبارت دیگر، خسارت باید در نتیجه اثر ضد رقابتی عمل منافعی با آن قانون باشد. در دعوی *Cargill v. Monfort* در سال ۱۹۷۶ دادگاه عالی نظر خود را مجدداً تکرار نمود و اعلام داشت که صرف افزایش رقابت و متضرر شدن برخی از رقبای خسارت رقابتی محسوب نمی‌شود. بر اساس مقررات اتحادیه اروپا در ماده ۳ دستورالعمل راجع به دعاوی جبران خسارت

1. Actual Loss.

2. Loss of Profit.

3. Right to Interest.

4. Restitution of Unjust Enrichment.

۵. البته در انگلستان جبران خسارت بر مبنای استرداد دارا شدن بلاجهت در دعاوی نقض قرارداد و مسئولیت مدنی‌های مالکانه اعمال می‌شود. اما با توجه به اینکه دعاوی ضد انحصار دعوی غیرمالکانه ناشی از نقض یک قاعده قانونی محسوب می‌شود، امکان جبران خسارت بر مبنای استرداد دارا شدن بلاجهت پذیرفته نشده است.

6. Exemplary Damages.

7. Compensatory Damages for Loss Suffered.

ناشی از اعمال ضد رقابت، اصل «خسارت کامل»^۱ جاری است. به این ترتیب، زیان دیده نه تنها می‌تواند خسارات واقعی (یعنی ارزش واقعی ضرری وارد شده) همانند خسارت ناشی از افزایش قیمت را مطالبه کند، بلکه می‌تواند خسارات ناشی از عدم النفع (مثلاً عدم النفع ناشی از کاهش فروش) را نیز دریافت کند. البته خسارت تنبیهی یا خسارت مضاعف غیرقابل مطالبه هستند.

۳-۱-۶. دفاعیات قابل استماع

در رابطه با دفاعیات خواننده نیز نظریات متفاوتی در کشورهای مختلف وجود دارد. بعضی با تکیه بر مسئولیت محض عامل زیان بر این باورند که به محض اثبات نقض قواعد مقرر در مواد ۱۰۱ و ۱۰۲ معاهده رم، خواننده مسئول پرداخت خسارت خواهد بود مگر اینکه وی اثبات نماید که نقض آن قواعد ناشی از یک اشتباه واقعی قابل بخشش بوده است. اشتباه وقتی قابل بخشش خواهد بود که شخص استانداردهای رفتاری را در حد بالایی رعایت کند و از نتیجه عمل خود در محدود کردن رقابت مطلع نباشد.

همچنین در بعضی نظام‌های حقوقی به خواننده این امکان داده شده تا با اثبات اینکه خواهان هزینه‌های خود را به خریداران غیرمستقیم انتقال داده است، از پرداخت خسارت به خواهان معاف باشد. این دفاع «انتقال هزینه»^۲ نام دارد. البته، رویه قضایی آمریکا این دفاع را قابل استماع نمی‌داند. در دعوی *Hanover Shoe v. United Shoe Machinery* دادگاه دفاع خواننده مبنی بر انتقال افزایش قیمت به واسطه فروش به خریداران توسط خواهان را رد کرد. در اتحادیه اروپا اعتقاد بر این است که اگر خریداران غیرمستقیم امکان مطالبه‌ی زانی که به آنها تحمیل شده است را نداشته باشند، برای ناقض قواعد رقابت حقی برای دارا شدن بلاجهت ایجاد می‌شود. از این رو، ماده ۱۲ دستورالعمل راجع به دعاوی جبران خسارت ناشی از اعمال ضد رقابت در ارتباط با مسئله انتقال هزینه مقرر می‌کند که زیان دیده (خریدار غیرمستقیم) می‌تواند مطالبه خسارت نماید. البته، اگر افراد بسیاری در زنجیره توزیع اقامه دعوی کنند، دادگاه باید به ابزارها و نهادهای حقوقی متوسل شود تا خواننده متحمل

1. Full Compensation.
2. Passing-on.

جبران چند باره خسارت نگردد (ماده ۱۶). همچنین، ماده ۱۳ این دستورالعمل دفاع انتقال هزینه اضافه را قابل استماع اعلام می کند اما بار اثبات آن بر عهده خواننده می گذارد. به این ترتیب، در چنین مواردی خسارت توسط خریدار مستقیم قابل مطالبه نیست اما توسط سایر زیاندیدگان (خریداران غیرمستقیم) قابل دریافت خواهد بود. برای این منظور، خریداران غیرمستقیم می بایستی از عهده اثبات انتقال هزینه به آنها در نتیجه عمل ناقص حقوق رقابت برآیند.

۲-۳. مشکلات شکلی اعمال نظام مسئولیت مدنی

رویه دادگاه‌های آمریکا در طول زمان بسیاری از موانع شکلی جهت تسهیل دادرسی دعاوی نقض حقوق رقابت و مطالبه خسارت را بر طرف کرده است (Jacobson, 1998, p. 3). با این حال، همچنان مسائلی باقی مانده‌اند که امکان جبران خسارت زیان‌های ناشی از نقض قواعد حقوق رقابت را با دشواری‌هایی رو به رو می کند. در ادامه این مبحث، به مطالعه برخی از مسائل می پردازیم.

۱-۲-۳. تعامل میان حقوق عمومی و خصوصی

در ارتباط با چگونگی تعامل میان ضمانت اجراهای حقوق عمومی و خصوصی در دعاوی مسئولیت مدنی پیرامون حقوق رقابت، باید توجه کرد که اعمال این ضمانت اجراها و حق جبران خسارت نباید منجر به ایجاد تناقض و تعارض شود و کارآمدی ضمانت اجرای عمومی و مسئولیت مدنی حفظ گردند. دعاوی مسئولیت مدنی نقض حقوق رقابت به دو سبک اقامه می شوند. دسته اول دعاوی هستند که قابلیت طرح دعوی جبران خسارت بر اساس مسئولیت مدنی فرد یا افراد خاطی در دادگاه منوط به صدور حکم انتظامی دایر بر نقض قواعد حقوق رقابت از یک مرجع حقوق رقابت است. دسته دوم دعاوی مستقل هستند که طرح آنها در دادگاه مستلزم صدور حکم در یک مرجع حقوق رقابت نیست.^۱

۱. در این رابطه، ماده ۶۶ قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و اجراء سیاستهای کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی مقرر می دارد: «اشخاص حقیقی و حقوقی خسارت دیده از رویه‌های ضدرقابتی مذکور در این قانون، می توانند حداکثر ظرف یک سال از زمان قطعیت تصمیمات شورای رقابت یا هیأت تجدید نظر مبنی بر اعمال رویه‌های ضدرقابتی، به منظور جبران خسارت به دادگاه صلاحیتدار

بر اساس ماده ۹ دستورالعمل راجع به دعاوی جبران خسارت ناشی از اعمال ضد رقابت، تصمیم نهایی مراجع حقوق رقابت در رابطه با نقض قواعد حقوق رقابت می‌بایستی به صورت فرض غیرقابل رد در دعاوی جبران خسارت استفاده شوند.^۱ بند ۲ ماده ۹ این دستورالعمل مقرر می‌کند که وقتی کمیسیون اتحادیه اروپا نقض مواد ۱۰۱ یا ۱۰۲ معاهده رم را اثبات می‌نماید، زیان‌دیده می‌تواند این رأی را به عنوان سندی بر ادعای خود در رسیدگی مسئولیت مدنی ارائه دهد. با این حال، در رابطه با مراجع رقابتی کشورهای عضو چنین رویه‌ای وجود ندارد. وقتی تصمیم مربوطه در یک کشور عضو دیگر صادر شده باشد، این حکم دیگر فرض غیرقابل رد قلمداد نمی‌شود اما می‌توان از آن به عنوان یک «فرض ظاهری»^۲ و یا دلیلی در میان سایر دلایل استفاده کرد.

به نظر می‌رسد که دلیلی وجود ندارد تا حکمی که در یکی از کشورهای عضو صادر و در دادگاه مربوطه قطعی شده است نتواند به عنوان دلیل غیرقابل رد در دادگاه کشورهای دیگر مورد پذیرش قرار گیرد. این مسئله موجب هماهنگی در عملکرد دادگاه‌های مختلف و موجب کارایی و کارآمدی شکلی در دعاوی نقض قواعد حقوق رقابت می‌گردد. علاوه بر این، چنین رویه‌ای از ایجاد اطاله در دادرسی و افزایش هزینه‌های آن جلوگیری می‌نماید زیرا خواننده این امکان را نخواهد داشت تا حکم صادره بوسیله یک دادگاه ملی را مورد چالش قرار دهد. بنابراین کمیسیون این پیشنهاد را داد که دادگاه مربوطه نمی‌تواند تصمیم مغایر با تصمیمی که دادگاه رسیدگی کننده به دعوی رقابت داشته است را اتخاذ نماید.

۲-۲-۳. مشکلات اثباتی

اغلب مدارکی که برای اثبات دعوی نقض قواعد رقابت مورد نیاز می‌باشد در اختیار خواننده است. اگرچه این عدم تقارن قدرت اطلاعاتی مطلوب نمی‌باشد، اما ملزم کردن شرکت‌ها به افشای اسرار تجاری نیز مشکلاتی را برای شرکتها ایجاد می‌نماید و موجب سوء

دادخواست بدهند. دادگاه ضمن رعایت مقررات این قانون در صورتی به دادخواست رسیدگی می‌کند که خواهان رونوشت رأی قطعی شورای رقابت یا هیأت تجدیدنظر را به دادخواست مذکور پیوست کرده باشد.
۱. در نظام حقوقی ما از این قاعده تحت عنوان حکومت امر کیفری در رسیدگی مدنی یاد می‌شود.

2. Prima Facie Evidence.

استفاده‌ی رقبا از آن اطلاعات می‌گردد. از این رو، به اعتقاد کمیسیون اتحادیه اروپا باید درجاتی از تعادل بین این دو مسئله ایجاد کرد که از طریق آن با رعایت شرایطی، حداقلی از سطح افشا میان طرفین وجود داشته باشد. بر این اساس، دادگاه‌های ملی می‌توانند تحت شرایط معین طرفین یا شخص ثالث را به افشای اطلاعات ملزم کنند. این شرایط شامل این نکته می‌باشد که درخواست کننده افشای اطلاعات باید ثابت کند که علیرغم اینکه تمام اقدامات لازم را برای ارائه مدارک مورد نیاز انجام داده است، باز هم نتوانسته است مدارک لازم را به دادگاه ارائه دهد. به این ترتیب، دادگاه باید قانع شود که وی از اقدام خلاف قانون عامل زیان خسارت دیده است و دادگاه تشخیص دهد که در صورت عدم افشا حق او تضییع می‌گردد. خواهان همچنین باید به طور شفاف اطلاعاتی مورد نیاز برای اثبات ادعایش را مشخص نماید (Commission of the European Communities, 2008A, p. 5).

مطابق با ماده ۵ دستورالعمل اجرای حقوق مالکیت فکری، در مواردی که دعوی خواهان به صورت معقولی بر قرائن عقلانی مبتنی است، دادگاه می‌تواند خواننده را ملزم نماید تا ادله مورد نیاز را در اختیار دادگاه قرار دهد (Directive 2004/48/EC). این الزام می‌بایستی بر اساس اصل تناسب و حفظ حقوق اسناد محرمانه به خصوص در رابطه با اشخاص ثالث باشد. البته، متقابلاً این حق برای خواننده نیز وجود دارد تا خواهان را ملزم به چنین امری نماید. بر اساس ماده ۶ دستورالعمل، الزام به افشا اسناد ضروری حتی شامل اطلاعات و پرونده‌هایی که نزد مقامات عمومی حقوق رقابت کشورهای عضو می‌باشد نیز می‌شود. همچنین، ماده ۷ دستورالعمل مقرر می‌کند که در مواردی که دستور به افشا رعایت نشود و یا اسناد به صورت مخدوش ارائه گردند یا از بین برده شوند، دادگاه می‌تواند کل یا بخشی از دفاع ناقص این مقرر را رد کند.

۳-۲-۳. مرور زمان

قاعده‌مندسازی تعیین زمان شروع مرور زمان در دعاوی رقابت به دلیل ارتباطش با حقوق افراد زیان دیده به یکی از مسائل با اهمیت تبدیل شده است. با توجه به اینکه رفتارهای ضد رقابتی به خصوص در ارتباط با کارتل به صورت مستمر یا متعدد صورت می‌پذیرند و بسیاری از این اقدامات به صورت مخفی حتی پس از خاتمه دوران توافق انجام می‌شوند، مشکلات

عملی به خصوص در رابطه با تعیین تاریخ دقیق شروع این دوره زمانی ایجاد می‌شود. برابر با ماده ۱۰ دستورالعمل راجع به دعاوی جبران خسارت ناشی از اعمال ضد رقابت، کشورهای عضو اتحادیه اروپا می‌بایستی مقررات متناسبی را در رابطه با شروع مرور زمان وضع کنند. در این مقررات، شروع مرور زمان نباید قبل از خاتمه اقدامات ناقض قواعد حقوق رقابت و اطلاع ذی حق از این اقدامات باشد. به این ترتیب، تا قبل از خاتمه اقدامات ضد رقابتی و تا وقتی این انتظار وجود دارد که زیان‌دیده به طور متعارف از اقدامات ضد رقابتی آگاه نشده است، مدت مرور زمان آغاز نمی‌شود. دوره مرور زمان نیز نباید کمتر از پنج سال باشد. به علاوه، این دوره با اقدامات تحقیقی مقامات عمومی قطع می‌شود و تا صدور حکم قطعی یا خاتمه دعوی متوقف می‌ماند.

۳.۲.۴ خسارات جمعی

در دعاوی ناشی از نقض قواعد رقابت، برخی از زیان‌دیدگانی ممکن است به واسطه هزینه‌های اثباتی و دادرسی و همچنین ریسک بالای این دعاوی از اقامه دعوی صرف نظر کنند. در چنین مواردی، برای برطرف کردن این موانع در رابطه با خسارات جمعی، برخی نظام‌های حقوقی همانند اتحادیه اروپا امکان اقامه دعوی جمعی را در قالب «انتخاب به شرکت در دعاوی جمعی»^۱ پیشنهاد داده‌اند. در این روش تعدادی از خسارت‌دیدگان می‌توانند تا با یکدیگر جمع شوند و دعاوی خود را به صورت دعوی جمعی اقامه کنند. البته، این امر مانع این نیست تا هر شخص زیان‌دیده بتواند در صورت تمایل به صورت شخصی اقامه دعوی نماید.

در آمریکا با تصویب قانون انصاف در دعاوی جمعی در سال ۲۰۰۵، خریداران غیرمستقیم می‌توانند در صورت یکی بودن خواننده و اعمال مشابه موجب خسارت به طور جمعی اقامه دعوی نمایند، هر چند قانون حاکم بر هر یک از این دعاوی بصورت انفرادی متفاوت باشد (American Bar Association, 2007, p. 70). لازم به ذکر است که دعاوی جمعی در آمریکا با اتحادیه اروپا متفاوت است. در آمریکا اصل بر طرح دعاوی جمعی است. اما، اشخاص زیان‌دیده می‌توانند از این ائتلاف خارج شوند. بر این اساس، اشخاصی که تمایل به حضور در

1. Opt-in Collective Actions.

جمع خواهان‌ها را ندارد و می‌خواهد دعوی خود را بر عناصر دیگر یا به نحو دیگری اقامه نماید، می‌تواند از دعوی جمعی خارج شوند. اما، در اروپا الزامی برای ورود خواهان به صورت اولیه برای طرح دعوی جمعی نیست، بلکه این اختیار برای وی وجود دارد تا وارد دعوی جمعی گردد.

روش دیگر برای کمک به زیان‌دیدگانی که ممکن است به واسطه هزینه‌های دادرسی از اقامه‌ی دعوی چشم‌پوشی کنند، امکان طرح دعوی به نمایندگی است. بر این اساس، مؤسساتی مانند سازمان‌های حمایت از مصرف‌کننده، اتحادیه‌های تجاری و بخش‌های دولتی اقدام به طرح دعاوی برای اعمال ضمانت اجرای مدنی می‌نمایند. این مؤسسات یا از قبل برای این کار تشکیل شده‌اند یا به صورت ویژه برای این امر تشکیل می‌شوند. این روش در انگلیس نیز مسبوق به سابقه است و این‌گونه دعاوی توسط سازمان‌های مصرف‌کننده در «دیوان تجدید نظر رقابت»^۱ که صلاحیت رسیدگی به دعاوی مرتبط با جبران خسارت را نیز دارد، انجام می‌شود.

۵-۲-۳. هزینه‌های دادرسی

در اکثر کشورهای اروپایی، فرد محکوم شده در پرونده باید هزینه‌های دادرسی را متقبل شود. اما، از آنجایی که خواهان تا زمان صدور رأی می‌بایستی هزینه‌های دادرسی را پرداخت کند، این مسئله ممکن است عاملی برای خودداری خواهان ذی‌حق از اقامه دعوی و تحمل هزینه‌های بالا شود. از این رو، کمیسیون پیشنهاد داده است که کشورهای عضو اتحادیه اروپا قوانین و سازوکاری را به اجرا بگذارند تا برای زیان‌دیدگان ذی‌حق هزینه‌های دادرسی مانعی برای طرح و اقامه دعوی نشود (Commission of the European Communities, 2008A, p. 9).

۶-۲-۳. چه شخصی حق اقامه دعوی دارد؟

اصولاً زیان‌دیدگان خسارات رقابت غیرمنصفانه اعم از مصرف‌کنندگان و تجار می‌توانند جبران خسارت شخصی ناشی از نقض قواعد حقوق رقابت را بخواهند. در اروپا، حتی خریداران غیرمستقیم نیز می‌توانند مطالبه خسارت کنند زیرا آنها نیز از افزایش قیمتی که از

1. Competition Appeal Tribunal.

طریق زنجیره توزیع به آنها تحمیل شده است، خسارت دیده‌اند. با توجه به دشواری امکان اثبات انتقال افزایش قیمت به خریداران غیرمستقیم، کمیسیون اتحادیه اروپا پیشنهاد کرده است که یک فرض غیرقابل رد ایجاد شود که بر اساس آن، در مواردی که نقض قواعد رقابت صورت پذیرفته است، افزایش قیمت و ورود خسارت بر خریداران نهایی مفروض گردد (Commission of the European Communities, 2008B, p. 11).

رویه جاری در دادگاه‌های آمریکا جبران خسارات را محدود به خریداران مستقیم محصولات کارتل کرده است. به این ترتیب، اشخاصی که در انتهای زنجیره توزیع هستند نمی‌توانند مطالبه غرامت نمایند. منطق حاکم بر چنین رویه‌ای پیشگیری از مکان سوءاستفاده از قواعد مسئولیت مدنی در زمینه حقوق رقابت و طرح دعوی واهی و تحدیدکننده فعالیت‌های شرکتها است.^۱

نتیجه

بی‌شک ضروریات وجود بازار آزاد و مبتنی بر اقتصاد خصوصی ایجاب می‌نماید تا مقرراتی را به صورت خاص برای ایجاد سازوکارهای کنترلی در بازار تدوین کرد. قواعد حقوق رقابت در کنار حقوق مصرف‌کننده می‌توانند تعادل در بازار را به طور مؤثری تضمین نمایند و عملکرد صحیح قواعد عرضه و تقاضا را تسهیل نمایند. در رویه‌های قدیمی، تکیه محض بر حقوق عمومی رویکرد غالب در این جهت بوده است. اما تغییر مبانی در فلسفه قواعد حقوقی و توجه به حقوق خصوصی افراد موجب شده است تا نظام مسئولیت مدنی به عنوان یک نظام تکمیلی در کنار قواعد حقوق عمومی قرار گیرد تا از این طریق انگیزه‌های لازم برای رعایت قواعد بازار آزاد در میان عناصر مربوط فراهم آید. با این وجود، مشکلات عملی برای اعمال نظام مسئولیت از دو جنبه ماهوی و شکلی ایجاب می‌کند تا سازوکار خاصی برای ایجاد انعطاف در قواعد مسئولیت مدنی که از ضروریات همراهی با تحولات مدرن در جوامع صنعتی و توسعه یافته است، شکل گیرد. این تحول می‌تواند در عین حفظ قواعد و روح کلی مسئولیت مدنی، با نشان دادن انعطاف در احقاق حق زیان‌دیده در دعوی

۱. بر اساس قوانین فنلاند، صرفاً شرکت‌ها و اشخاص حقوقی حق دریافت غرامت و خسارت نقض قواعد رقابت را دارند و افراد حقیقی از حق محروم هستند.

مسئولیت مدنی علیه ناقضان حقوق رقابت تسهیلاتی ایجاد کند.

منابع

الف - فارسی

- حسینی، سید شمس‌الدین و شفیع‌ی، (۱۳۸۷)، افسانه، قانون رقابت و پیش‌شرط‌های اجرای موثر آن، مجله بررسی‌های بازرگانی، شماره ۲۹، صص ۶ تا ۲۰.
- صادقی، طوبی، (۱۳۸۶)، اصول حاکم بر حقوق رقابت تجارتنی با نگاهی به لایحه قانونی، هیات و حقوق، شماره ۲۳، صص ۱۶۹ تا ۱۸۶.
- صادقی، محمود، (۱۳۸۶)، تعامل و هم‌زیستی قراردادهای پروانه بهره‌برداری از حقوق مالکیت فکری با حقوق رقابت، فصلنامه پژوهش بازرگانی، شماره ۴۳، صص ۲۴۹ تا ۲۸۲.
- نوروزی شمس، مشیت‌الله، (۱۳۸۴)، نگاهی به حقوق رقابت در قوانین چند کشور، مصباح، شماره ۶۱، صص ۹۳ تا ۱۲۲.

ب - انگلیسی

کتاب و مقالات

- Alkin, Tom, (2008), 'Should There Be a Tort of 'Unfair Competition' in English Law?', *Journal of Intellectual Property Law & Practice*, 2008, 3(1).
- American Bar Association, (2007), *Section of Antitrust Law Indirect purchaser litigation handbook*, Chicago, American Bar Association.
- Anderson, Patrick, (2007), 'Damage in Antitrust Cases', Anderson Economic Group, AEG Working Paper Group, 2007(2).
- Cafaggi, Fabrizio, (2006), *Institutional Framework of European Private Law*, New York, Oxford.
- Commission of the European Communities, (2008A) 'White Paper on Damages Actions for Breach of the EC Antitrust Rules', available at <http://ec.europa.eu/competition/antitrust/actionsdamages/files_white_paper/whitepaper_en.pdf> accessed 1 August 2015.
- Commission of the European Communities, (2008B), 'Paper Accompanying the White Paper on Damages Actions for Breach of the EC Antitrust Rules', available at <http://ec.europa.eu/competition/antitrust/actionsdamages/files_white_paper/working_paper.pdf> accessed 1 August 2015.
- Correa, Carlos M, (2007), 'Intellectual Property and Competition Law', ICTSD available at <http://www.ictsd.org/sites/default/files/research/2008/06/corea_oct07.pdf> accessed 1 August 2015.
- Fourny, Annie, (2011), 'International Antitrust Litigation Conflict of Laws and Coordination', available at <<https://www.uclouvain.be/en-285980.html>>

accessed 1 August 2015.

- Jacobson, Jonathan M.; Greer, Tracy, (1998), 'Twenty-One Years of Antitrust Injury: Down the Alley with Brunswick v. Pueblo Bowl-o-Mat', *Antitrust Law Journal*, 66(2).

- Komninos, Assimakis, (2009), *Quantifying Antitrust Damages, Towards Non-Binding Guidance for Courts*, Luxembourg, Publications Office of the European Union.

- Marcos, Francisco; Graells, Albert Sánchez, (2008), 'Damages for breach of the EC Antitrust Rules: harmonising Tort Law Through the Back Door?', available at

<<http://www.raco.cat/index.php/InDret/article/viewFile/77871/101726>>

accessed 1 August 2015.

- Marshall, Kevin Scott, (2008), *The Economics of Antitrust Injury and Firm-Specific Damages*, Tucson, Lawyers & Judges Publishing Company.

- OECD, (2006), *Competition Law and Policy in Latin American*, Paris, OECD Publishing.

- Wadlow, Christopher, (2009), 'The New Private International Law of Unfair Competition and the 'Rome II' Regulation', *Journal of Intellectual Property Law & Practic*, 4 (11).

قوانین و مقررات

- Directive 2004/48/EC of the European Parliament and of the Council of 29 April 2004 on the Enforcement of Intellectual Property Rights.

- Commission Recommendation 2003/361/EC of 6 May 2003 concerning the Definition of Micro, Small and Medium-Sized Enterprises.

- Directive on Antitrust Damages Actions OJ C 67, 6.3.2014.

آراء دادگاهها

- *Brunswick Corp. v. Pueblo Bowl-O-Mat* 429 US 477, 97 S. Ct. 690, 50 L. Ed. 2d 701 (1977).

- Case C-453/99, *Courage Ltd v Bernard Crehan and Bernard Crehan v Courage Ltd and Others*, ECR I-6297 (2001).

- *Devenish Nutrition Ltd. v. Sanofi-Aventis S.A. (France) & Ors.* [2008] EWCA Civ (1086).

- *Hanover Shoe, Inc. v. United Shoe Machinery Corp.* 392 U.S. 481 (1968).

- Joined Cases C-295-298/04, *Manfredi*, [2006] ECR I-6619.

- *Radiant Burners, Inc. v. Peoples Gas Co.* 364 U.S. 656 (1961).

- *Zenith Radio Corp. v. Hazeltine Research* 395 US 100, 89 S. Ct. 1562, 23 L. Ed. 2d 129 (1969).